

تاریخچه ای از نوروز

که بود منابع علمی و تحقیقی باعث آن گردیده که مورخان و محققین نتوانند درباره آداب و رسوم و چگونگی پیدایش جشن نوروز و فلسفه مذهبی و ملی آن و نسبت نوروز به جمشید از پادشاهان پیشدادی آنطور که انتظار میرود مقالاتی را برشته تحریر در آورند. آنچه محقق است جشن نوروز یکی از قدیمی ترین جشنهای ایرانیان میباشد که از دیرباز حوادث تاریخی و اوضاع سیاسی و اجتماعی نتوانسته است در آن دخل و تصرفی بنماید و آنرا رنگ دیگر بخشد. سلاطین و پادشاهان ایران هر کدام فرارسیدن نوروز و آغاز فصل بهار را باشکوه خاصی جشن گرفته اند.

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

تعمیر

شجاعی

ولی اکثراً چنانکه اشاره خواهد شد علت وجودی آنرا مبتنی بر سه اصل میدانند.

در کتب مورخین قدیمی از جمله در کتاب آثار الباقیه و کتاب التفهیم تألیف ابوریحان بیرونی، المحاسن والاضداد جاحظ، السما والعالَم مجلسی، نوروزنامه عمر خیام و سفرنامه‌های مختلف سیاحان هر یک بنوعی نوروز و پیدایش آنرا شرح داده‌اند.

لغت جشن بطور کلی از یسنه یا یسنا گرفته شده است که در پهلوی یزشنه^۱ میباشد و به معنی پرستش و نیایش و نماز و شادی و آداب و رسوم مذهبی آمده است.

این لغت در زبان سانسکریت یجنه^۲ آمده که همان معنی و مفهوم را دارد. چون جشن نوروز یا جشنهای دیگر هنگام نماز و نیایش و شادی و خرمی است از این جهت باین نام معروف شده است.^۳

جشن نوروز را نیز جشن پایان آفرینش نامیده‌اند که با خلقت انسان خاتمه یافته است در کتاب مقدس اوستا چنین آمده است که اهورا مزدا جهان و همه مخلوقات و موجودات آنرا در شش هنگام آفرید اما نه در یک زمان یا شش روز پشت سر هم؛ بلکه در شش موقع از سال و اوقات مختلف و بفاصله‌های زیاد. در آئین مزدیسنا یعنی کیش پاک زردشت، این شش روز یا جشن هنگام آفرینش را شش جشن گاهان بار می‌گویند. راجع به شش گاهان بار که بمناسبت خلقت عالم و عالمیان می‌باشد در اوقات مختلفه سال است و هر کدام آنها نام مخصوصی دارد و مدت هر یک از این جشنها پنجروز است ولی آخرین روز آن مقدس و محترم است. در تورات آمده که خدا آسمان و زمین و همه موجودات و مخلوقات

Yazeshna -1

Yojna -2

۳- مجله مهر سال یکم و دوم، مقاله دکتر ذبیح‌اله صفا.

را درشش روز آفرید و روز هفتم از کار آفرینش فارغ شد و استراحت گزید و آنروز را مبارک خواند و تقدیس نمود زیرا در آنروز آرام گرفت.

این داستان تورات درباره اوقات عالم خلقت در قرآن مجید نیز یاد شده است. پس روز اول فروردین موقع فراغت و آسایش و جشن و شادمانی است یا بعبارت دیگر در این شش گاهانبار نعمت‌های خدا برای افراد بشر کامل شده است.

در نوروزنامه، حکیم عمر خیام راجع به نوروز چنین مینویسد: «سبب نام نهادن نوروز از آن بوده است که آفتاب در سیصد و شصت و پنج شبانه روز و ربعی باول دقیقه حمل بازمی آید. و چون جمشید آنروز را دریافت نوروز نام نهاد و عجم دریافتند و از بهر بزرگداشت آفتاب آنرا نشانه کردند و آنروز را جشن ساختند و عالمیان را خبر دادند تا همگان آنرا بدانند و آن تاریخ را نگاهدارند. بر پادشاهان واجب است آئین و رسم ملوک را بجای آورند. از بهر مبارکی و بهر تاریخ و خرمی کردن در اول سال هر که روز اول نوروز جشن کند و بخرمی پیوندد تا نوروز دیگر عمر در شادی گذرانند و این تجربت را حکما برای پادشاهان کردند.»

در کتاب آثار الباقیه ابوریحان بیرونی و شاهنامه فردوسی و بعضی از کتب دیگر جشن نوروز را به جمشید که از پادشاهان بزرگ سلسله پیشدادی بود نسبت میدهند و میگویند جمشید تختی از طلا ساخت و بر آن نشست. دیوان آنرا برداشتند و در ظرف یکروز از دماوند ببا بل بردند این روز اول فروردین ماه بود که هر مزد نام دارد آن روز را جشن گرفتند و شادی کردند. چنانکه قبلا گفتیم روز اول فروردین هر مزد روز می باشد که نام آفریننده جهان است. ایرانیان قدیم این روز را با احترام بنام خدا تعطیل میکردند و استراحت مینمودند و جشن میگرفتند.

معلوم میشود هر مزد روز از روز کاران بسیار قدیم نیز مورد احترام و توجه بوده که جمشید در آن روز بر تخت نشسته و جشن گرفته است .

نوروز سلطانی بمعنی سال نوشاهنشاهی است . چون این عید را ایرانیان جشن خوارزمشاهیان میگیرند و حلول آفتاب ببرج حمل هنگام برگزاری آنست بر حسب تقویمی که در عهد قدیم مورد استفاده بوده است و گاهشماری خسروانی نام داشته است مفهوم شاهانه و یا پادشاهی را میرساند و مدتی است طولانی که این تقویم از میان رفته است . خسروانی که از کلمه خسرو میآید نام یکی از پادشاهان نامدار ایران در تاریخ باستان می باشند ^۱ .

هم چنین در کتاب التفهیم این داستان درباره نوروز آمده است که چون سلیمان بن داود انگکشر خویش را گم کرد سلطنت از دست او بیرون رفت ولی پس از ۴۰ روز بار دیگر انگکشر خود را باز یافت و پادشاهی و فرماندهی براو برگشت و مرغان بردور او گرد آمدند . ایرانیان گفتند: «نوروز آمد یعنی روز تازه» ^۲ .

دورویل ^۳ در سفرنامه خود درباره نوروز و جشن و مراسم آن مینویسد مراسم نوروز با روز شروع سال جدید ایرانی مطابق ۲۱ مارس و تحویل آفتاب برج حمل است . این مراسم از زرتشتیان باستانی بیادگار مانده است . گمان نمیرود که در سراسر مشرق زمین چنین عید بزرگی باشد . مراسم عید نوروز غالباً پانزده روز طول میکشد در این مدت بازارها را می بندند و کارگران بهیچ کاری دست نمیزنند . روز عید و دوروز بعد از آن در دربار سلام عام داده میشود . شاه ایران و وزیران و نجبا و سپس طبقات پائین تر و از آنجمله بازرگانان را بحضور می پذیرد . پس از انجام مراسم مزبور شاه در پایتخت و

۱ - سیاحتنامه شاردن ترجمه محمد عباسی ص ۲۲۹

۲ - التفهیم بکوش جلال همایی

۳ - سفرنامه سرهنگ گاسپارد دورویل ص ۱۳۷

شاهزادگان در مراکز ایالات در دیوان می‌نشینند و به کسانی که بحضورشان معرفی میشوند هدایائی داده و یا از آنها هدایائی می‌پذیرند. غالباً پادشاه هدایائی از قبیل اسبان نجیب، اسلحه، پارچه های زربفت و شال کشمیر و لباس-های پوست گرانبها و قند و قهوه و چای دریافت میدارد.

مجموع هدایائی که بنام نوروز به پادشاهان می‌دهند در حدود دو میلیون فرانک ارزش دارد. البته هدایای حکام که نمیتوانند افتخار حضور پیدا کنند در این رقم منظور نشده است. اما هدایائی که بشاهزادگان تقدیم میشود با قدرت و جلال آنان مناسب است. پس از آنکه پادشاه و شاهزادگان معلوم شد که هدایا را پذیرفته اند تقدیم کنندگان سه بار تعظیم کرده و از تالار خارج میشوند تا در انتهای باغ در صف مخصوص جای بگیرند.

معمولاً شاه از قبول هدایا سرباز نمی‌زند زیرا پیش از آنکه تقدیم بشود آنرا به بازارس هدایا نشان میدهند تا در باره شایستگی آن برای عرضه بحضور شاه نظر دهد.

والی‌ها، در جشن‌ها و حکام بخصوص در موقع عید نوروز بستگی بتعداد جمعیت حیطة فرمانروائی از افراد نوعی مالیات میگیرند و پس از جمع هدایا که نقدی یا جنسی است همگی را فروخته بایول آن هدیه‌ای که شاه بیشتر می‌پسندد می‌خرند. البته اسب‌های خوب سواری، اشیاء عتیقه و جواهرات بیشتر مورد قبول قرار میگیرد.

شاه بشاهزادگان سکه‌های طلا عیدی میدهد. شاه عیدی را بدست مبارک خود به حاضرین مرحمت میکند. حضار بهنگام دریافت عیدی زانو بزمین میزنند و آنرا دودستی گرفته به پیشانی خود می‌برند و سپس از جای برمیخیزند و تعظیم کنان دور میشوند.

شاه ایران بهنگام عید نوروز برای فرزندان خود و حکام ولایات لباس افتخار میفرستد. این لباسها معمولاً قبا (عبا) های زیبای زری یا نقده دوزی

کم و بیش گرانبهایی است که بر حسب حال و مقام بهر يك از شاهزادگان هدیه میشود (این سنجش از روی اهمیت فرد مورد نظر بوده است. بدین معنی که حکام شهرستانهایی که بیشتر مالیات میدهند یا از لحاظ خویشاوندی به شاه و خانواده او نزدیکترند معمولاً در درجه اول اهمیت قرار گرفته و مورد توجه خاص واقع میشوند).

قباهارا با تشریفات خاص در لفافی می‌پیچند و بوسیله اشخاص مورد اعتماد و درباریان عالیقدر که عده‌ای سوار به همراهشان است ارسال میدارند. لباسهای افتخار معروف به خلعت میباشد که داشتن آن لباس برای صاحبانش بزرگترین سند افتخار و لیاقت و شایستگی است.

هدیه‌های مورد نظر از جمله خلعت را به‌مراهی سواران حمل میکنند و بالعکس هدیه‌های حکام و لایات را بوسیله کاروانهای شتر که با جهازات زیبا آرایش شده بدربار می‌آورند. هر قدر تعداد شترهای حامل هدیه حکام بیشتر باشد و یا تعداد صندوق‌های حامل هدیه بزرگتر باشد آن حاکم بیشتر مورد توجه مخصوص قرار می‌گیرد. اشیائی که بیشتر هدیه میشوند عبارتند از: اسب، قاطر، شتر، مرغ، خروس، بز، گوسفند، ابریشم، پارچه‌های دست بافت، مخمل، شمشیر، خنجر، سپر، گندم، جو، سکه‌های طلا و نقره، پارچه‌های زری و احياناً مصنوعات ساخت خارج و یا حیوانات که متعلق بکشورهای بیگانه است مثل فیل، میمون، طاوس و غیره.

حال که از چگونگی بوجود آمدن نوروز سخن رفت مختصری نیز درباره رسوم این جشن باستانی بیان میشود.

چنانکه مورخان نوشته اند تقریباً ۵ روز پیش از نوروز مردم بتپیه وسایل جشن می‌پرداخته و منزل خود را تمیز میکردند. لباس نو تهیه مینمودند و شیرینی و سبزه که از ۱۵ روز قبل تهیه و سبز کرده بودند آماده نموده و بالاخره

خود را باشوق و شادی برای استقبال از شب جشن آماده میساختند در جشن نوروز آتش روشن میکردند .

در آئین مزدیسا بواسطه پایان یافتن اوقات آفرینش و فراغت اهورامزدا از کار خلقت بآن يك رنگ مذهبی داده اند و مطابق نوشته اوستا بواسطه نزول فره وهران ارواح پاك و پارسا، فلسفه آن قوی تر شده و فضیلت و احترام زیادی بر آن قائل شده اند . بمعقیده زرتشتیان ماه فروردین و جشن فروردین متعلق به فره وهرهای ارواح پاك و پارسا است که در اول سال بزمین فرود می آیند و از این لحاظ است که مردم برای خشنودی ارواح نیاکان جهت این جشن تشریفات قائل شده اند .

از ششم فروردین ماه که هنگام تولد و بر گزیده شدن زرتشت است نوروز صورت خاصی بخود گرفته و دربار پادشاه به روی همه مردم و سپس خواص دربار باز میشد و هدایا تقدیم میکردید .

جشن نوروز در بین کلیه پادشاهان هخامنشی و ساسانی جلال و احترامی زیاد داشته و حتی در زمان ساسانیان برای این روز سرودها و آهنگهایی نیز ساخته اند .

روز اول نوروز شاهنشاه لباس فاخر که معمولاً برد یمانی بود بر تن میکرد و به تنهایی در دربار حاضر میشد . مردی خجسته نام و مبارک قدم و گشاده صورت و نیکو بیان که از هنگام شب تا صبحگاهان بر درخانه پادشاه توقف میکرد، بامدادان بدون اجازه بحضور پادشاه میرسید. پادشاه چون او را میدید میپرسید کیستی و از کجا آمده ای و اراده کجاداری و نامت چیست و چه کسی تورا اینجا آورده و با تو چیست ؟^۱

آن مرد در جواب میگفت من نیروی ظفرم و از جانب خدا میآیم و اراده پادشاه

۱- بشا بر قول ابوریحان بیرونی

نیکبخت کرده‌ام. نامم خجسته و آورنده من نصرت و ظفر میباشد. سال‌نو همراه من، ره آوردم سلامت و بشارت و گوارائی است.

پس از آن پادشاه اجازه جلوس میداد و آن مرد نورانی می‌نشست. پس از آن مردی داخل میشد که طبق سیمین در دست داشت و اطراف آن طبق نانه‌های کردی بود که از انواع حبوبات درست شده بود.

ایرانیان باستان پیش از آنکه تحویل سال واقع شود سراپای خود را پاک می‌شستند، جامه نو می‌پوشیدند و با سرودن اوستا و انجام تشریفات مذهبی بر سر سفره نوروز که بترتیب خاص با شیرینی، شمع، آئینه، گل، سبزه، نقل، منقل آتش، عود، و سایر خوردنیها و آشامیدنیهای نیکو آراسته میشد بانظار شنیدن صدای کوس و دهل‌شاهی یا نقاره که آغاز نوروز بود می‌نشستند. چون لحظه نوروز میشد ابتدا ریش سفید یا سالمندترین فرد خانواده برخاسته و بهر یک از اهل خانه سه قاشق عسل یا سه دانه آب نبات یا شیرینی دیگر با سه سکه زرین یا سیمین و سه برگ سبزه داده بآنها تبریک نوروزی میگفت، سپس همه خانواده بر پا ایستاده با صدای بلند اوستای تمدن‌رستی را می‌سرودند و برای خود و بستگان از اهورا مزدا دیرزیوی و نیکنامی و شادکامی و فراخ روزی خواستار میشدند^۱

در زمان گذشته رسم چنین بوده که اگر تحویل سال در شب پایان آخر سال اتفاق می‌افتاد هنگام تحویل بر فراز کاخ سلطنتی یا ساختمان بزرگ شهر خرمنی از آتش روشن میکردند و سایر مردم نیز به پیروی از آن بر فراز بلندی‌خانه خود میرفتند و آتش افروزی می‌نمودند و اگر تحویل سال در روز واقع میشد پیش از طلوع آفتاب مراسم آتش افروزی انجام میگرفت و با این رسم و ترتیب بدیهای سال گذشته و کهنه را در آتش سوزانیده روشنائی آن را برای سال

۱ - نوروز رساله تحقیقی موبد رستم شهزادی

آینده هدیه می نمودند و راهنمای کار و کوشش خود در راه تاریخ زندگی قرار میدادند.

درباره هفت سینی که شماره و تعداد امشاسپندان بر سر سفره قرار میدهند تا آنکه نماینده (صفات) اهورامزدا باشند تصور می رود این آداب از قدیم بنام هفت چین که بمعنی میوه چیده شده است و بیاد امشاسپندان هفتگانه میباشد مقرر بود.

البته عدد هفت و انتخاب آن جزو اعداد سعد بشمار می آمد و از خیلی قدیم آنرا بفال نیک می گرفتند. پس از مروریام چون واژه «ج» در زبان عربی نبود باین جهت حرف «ج» به «س» تبدیل شده است.

هفت سین یا هفتچین شامل انواع شیرینی و شربت بوده که سر سفره آماده می کردند.

هفت سین یا هفت امشاسپندان را نیز گروهی از محققین هفت فرشته نیک می دانند و نام هر یک از این هفت فرشته را مظهری از سلامت و یاخرمی و پیروز-بختی میدانستند که مورد توجه خاص ایرانیان قرار گرفته و برای میمنت و شکون مراسم جشن نوروز بنام مقدس آنها توسل می جستند.

در موقع تحویل سال اهل خانه دور سفره عید حضور میابند و همگی سوی زمین بترتیب افراد خانواده دور سفره (حوله) هفت سین می نشینند و کتاب مقدس را باز میکنند و از نعمت های خداداد، بدرگاه اهورامزدا دست سپاس بلند میکنند و باخواندن اوستا سال نو آغاز میگردد.

بعد از سلام تا کنون در میان عامه مردم این رسم برقرار شده است که بزرگ خانواده سوره هائی از قرآن را میخواند و بقیه خانواده دل خوش میشوند و نیت هائی بر حسب حال خویش میکنند از جمله بهتر شدن کسب و کار از خداوند آرزو مینمایند.

بعد از تحویل سال که در سابق با دهل و نقاره یا باشلیک توپ با اطلاع عموم میرسید اعضاء خانواده همدیگر را می‌بوسیدند و بیسکدیگر عیدی میدادند. سکه‌های نقره و طلا که در میان کتاب قرآن می‌گذارند نیز غالباً مورد استفاده عیدی دهندگان قرار می‌گرفته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی